

خوش آمدی ای خلیفه خدا مهدی

انتشارات انصار امام مهدی (عج)

مترجم

گروه مترجمان انتشارات انصار امام مهدی (عج)

نام کتاب	خوش آمدی ای خلیفه خدا مهدی
نام کتاب اصلی	مرحبا بخليفة الله المهدي
نویسنده	انصار امام مهدی علیه السلام
مترجم	گروه مترجمان انتشارات انصار امام مهدی علیه السلام
نوبت انتشار	اول
تاریخ انتشار	۱۴۰۴
تاریخ انتشار کتاب اصلی	۱۴۳۴ق/ ۲۰۱۳م
کد کتاب	
ویرایش ترجمه	اول

جهت کسب اطلاعات بیشتر در خصوص دعوت مبارک **سید احمد الحسن علیه السلام** به تارنماهای زیر مراجعه نمایید.

www.almahdyoon.co

www.almahdyoon.com

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فهرست

۱. در آستانهٔ ساعت.....	۹
۲. اعتقاد به مهدی.....	۱۴
۳. مهدی در قرآن.....	۱۷
۴. مهدی در احادیث پیامبر ﷺ.....	۱۸
۵. نَسَب خلیفهٔ خدا مهدی.....	۱۹
۶. ویژگی‌های مهدی.....	۲۰
الف. ویژگی‌های جسمانی.....	۲۰
ب. ویژگی‌های معنوی.....	۲۱
۱. مهدی مبعوث‌شده از طرف خداست.....	۲۱
۲. مهدی خلیفهٔ خداست.....	۲۲
۳. خلیفهٔ خدا مهدی، صاحب پرچم‌های سیاه مشرقی است.....	۲۲
۴. مهدی امام است.....	۲۴
۷. تکلیف مسلمانان در برابر مهدی.....	۲۵
۸. قانون شناخت خلیفهٔ خدا.....	۲۸
قانون شناخت حجت در قرآن.....	۳۱
۹. خلیفهٔ خدا مهدی با قانون شناخت حجت شناخته می‌شود.....	۴۰
۱. نص.....	۴۰
۲. علم.....	۴۴
۳. حاکمیت خدا.....	۴۶
۱۰. خلیفهٔ خدا مهدی در بین ماست.....	۴۷
خلیفهٔ خدا مهدی کیست؟.....	۴۸

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿قَدْ جَاءَكُمْ بَيِّنَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ﴾^۱ (بهراستی برای شما از جانب پروردگارتان دلیل روشنی آمده است).

﴿... قَدْ جَاءَكُمْ بَيِّنَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ هَذِهِ نَافَةٌ لِلَّهِ لَكُمْ آيَةٌ فَذَرُوهَا تَأْكُلْ فِي أَرْضِ اللَّهِ وَلَا تَمْسُوهَا بِسُوءٍ فَيَأْخُذَكُمْ عَذَابُ أَلِيمٍ﴾^۲ (... بهراستی برای شما از جانب پروردگارتان دلیل روشنی آمده است. این شتر خدا برای شما نشانه‌ای است؛ پس او را در زمین خدا رها کنید تا بخورد و به او آسیبی نرسانید که عذابی دردناک شما را فراخواهد گرفت).

﴿أَوْ تَقُولُوا لَوْ أَنَّا أُنْزِلَ عَلَيْنَا الْكِتَابُ لَكُنَّا أَهْدَى مِنْهُمْ فَقَدْ جَاءَكُمْ بَيِّنَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَهُدًى وَرَحْمَةً فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ كَذَبَ بَيَّاتٍ لِلَّهِ وَصَدَفَ عَنْهَا سَنَجْزِي الَّذِينَ يَصْدِفُونَ عَنْ آيَاتِنَا سُوءَ الْعَذَابِ بِمَا كَانُوا يَصْدِفُونَ﴾^۳ (یا بگویید اگر کتابی بر ما نازل شده بود قطعاً ما از آنها هدایت‌یافته‌تر بودیم. پس بهراستی برای شما از سوی پروردگارتان دلیلی روشن و هدایت و رحمتی آمده است. پس چه کسی ستمکارتر از کسی است که به آیات خدا دروغ بسته و از آن روی‌گردان شده است؟ ما کسانی را که از آیات ما روی‌گردان می‌شوند به کیفر آنکه از آیات ما روی برمی‌گردانند عذابی دردناک خواهیم چشاند).

۱. اعراف: ۸۵.

۲. اعراف: ۷۳.

۳. انعام: ۱۵۷.

رسول خدا ﷺ فرموده است:

«زمین قطعاً پر از جور و ظلم خواهد شد. وقتی زمین پر از جور و ظلم شد خداوند مردی از مرا برمی‌انگیزد؛ نام او نام من است؛ و او زمین را با عدل و داد پر می‌کند، همان‌طور که از جور و ستم پر شده است.»^۱

۱. در آستانهٔ ساعت

احادیث بسیاری نشانه‌هایی را ذکر کرده‌اند که نشان‌دهندهٔ نزدیکی ظهور خلیفهٔ خدا، مهدی (عج) است؛ و آنچه پیش‌روی خواننده قرار دارد نگاهی گذرا به برخی از این نشانه‌هاست:

۱- بسیاری فتنه‌ها:

احمد در مسند خود با سندش از نعمان بن بشیر نقل کرده است، «گفت: ما همراه پیامبر ﷺ بودیم و شنیدیم ایشان می‌فرمود: «قطعاً پیش از ساعت فتنه‌هایی همانند پاره‌های شب تاریک خواهد بود که فرد در صبح آن مؤمن است و در عصر آن کافر می‌شود، و هنگام شب مؤمن است و صبح می‌شود درحالی‌که او کافر است. مردم اخلاق خود را به بهای ناچیزی از دنیا یا به بهای دنیا می‌فروشند.» حسن گفت: به خدا ما آنها را دیده‌ایم؛ صورت‌هایی بدون عقل، اجسامی بدون رؤیا، بستری از آتش، و مگس‌هایی طمع‌کار که صبح با دو درهم می‌روند و غروب با دو درهم بازمی‌گردند، و هرکدام از آنها دین خود را به قیمت یک بز می‌فروشند.»^۱

ابوداود با سند خود از پیامبر ﷺ نقل کرده است، فرمود: «پیش از ساعت فتنه‌هایی همانند پاره‌های شب تاریک خواهد بود که در آن انسان صبح می‌کند درحالی‌که مؤمن است، و شب‌هنگام کافر می‌شود، و شب مؤمن است و هنگام صبح کافر می‌شود. در آن روزگار نشسته بهتر از ایستاده، و رونده بهتر از دونده است. پس کمان‌های خود را بشکنید، و زه‌های خود را ببرید، و شمشیرهای خود را به سنگ‌ها بزنید. اگر کسی از شما آن هنگام را درک کرد پس باید مانند بهترین دو فرزند آدم باشد.»^۲

۱. مسند احمد: ج ۴، ص ۲۷۳.

۲. سنن ابی‌داود: ج ۲، ص ۳۰۴.

۱۰ انتشارات انصار امام مهدی (علیه السلام) - خوش آمدی ای خلیفه خدا، مهدی

۲- ساختمان‌های بلند:

مسلم در صحیح خود از عمر بن خطاب روایت کرده است که جبرئیل (علیه السلام) از پیامبر (صلی الله علیه و آله) پرسید: «مرا از ساعت خبر بده؟ فرمود: «سؤال شونده داناتر از سؤال کننده نیست.» گفت: پس مرا از نشانه‌های آن خبر بده. فرمود: «کنیز بُتِ خود را می‌زاید؛ و برهنگان^۱ و پابرهنگان و فقیران و چوپانان را می‌بینی که در ساختمان‌های بلند به یکدیگر فخرفروشی می‌کنند.»^۲

۳- برداشته شدن علم:

- «۳۷۴۴۹»: در نزدیکی ساعت، روزهایی خواهد بود که در آن علم برداشته و جهل نازل می‌شود؛ و هرج و مرج و و فتنه‌ها در آن زمان فراوان خواهد شد.»^۳

۴- افزایش قرائت قرآن و ترک عمل به آن:

- «۳۸۴۵۷»: زمانی بر امت من خواهد آمد که در آن قاریان فراوان و فقیهان کم می‌شوند. علم برداشته می‌شود و فتنه‌ها زیاد می‌گردد. سپس بعد از آن زمانی فرامی‌رسد که مردانی از امت من که قرآن می‌خوانند قرائتشان از گلوهایشان فراتر نمی‌رود. پس از آن زمانی می‌آید که مؤمن در چیزهایی مانند آنچه مشرکان می‌گویند با مشرک به خدا مجادله می‌کند.»^۴

۱. پابرهنگان، کسانی هستند که کفش نمی‌پوشند. برهنگان، کسانی هستند که لباس نمی‌پوشند؛ و «العاله» به معنی فقیران است.

«ابن رجب در شرح این حدیث می‌گوید: منظور این است که افراد پست جامعه به ریاست می‌رسند و اموالشان بسیار می‌شود تا آنجا که با بلندی ساختمان‌ها و تزئینات و استحکام آنها به یکدیگر فخرفروشی می‌کنند. نووی نیز همین معنا را در [شرح صحیح مسلم] هنگام بررسی این حدیث ذکر کرده است.» فتوای هیئت دائمی تحقیقات علمی و افتاء: ج ۴، ص ۳۸۴.

۲. صحیح مسلم: ج ۱، ص ۲۹.

۳. کنز العمال، فصل سوم: درباره نشانه‌های کوچک قیامت: ج ۱۴، ص ۲۱۶.

۴. منبع قبلی: ۳۸۴۵۷.

- «۳۸۴۸۱: در آخرالزمان عبادت‌کنندگانِ جاهل و قاریانی فاسق خواهند بود.»^۱

۵- گسترش فحشا و قطع روابط خویشاوندی:

- «۳۸۴۶۸: از جمله نشانه‌های ساعت، فحشا و ناسزاگویی، قطع روابط خویشاوندی، خائن شمردن افراد امین، و اعتماد به خائنان است.»^۲

۶- تکذیب راست‌گو و تصدیق دروغ‌گو:

- «۳۸۴۵۲: سال‌هایی بر مردم خواهد آمد که در آنها دروغ‌گو تصدیق و راست‌گو تکذیب می‌شود، به خائن اعتماد و به امین خیانت می‌شود، و روییضه سخن می‌گوید.»^۳ پرسیده شد: روییضه چیست؟ فرمود: «مرد پستی که دربارهٔ امور عمومی سخن می‌گوید.»^۳

- «۳۸۴۵۷: زمانی بر مردم خواهد آمد که در آن راست‌گو تکذیب و دروغ‌گو تصدیق می‌شود، به امین خیانت و به خائن اعتماد می‌شود، و فرد شهادت می‌دهد درحالی‌که از او خواسته نشده است، و سوگند می‌خورد حتی اگر از او خواسته نشود، و خوشبخت‌ترین مردم در دنیا کسی خواهد بود که "لکع بن لکع" نام دارد و به خدا و رسولش ایمان ندارد.»^۴

۷- مباهات به مساجد:

- «۳۸۴۸۴: ساعت برپا نمی‌شود تا اینکه مردم دربارهٔ مسجدها به یکدیگر مباهات می‌کنند.»^۵

۱. منبع قبلی: ۳۸۴۸۱.

۲. منبع قبلی، ۳۸۴۶۸.

۳. منبع قبلی: ۳۸۴۵۲.

۴. منبع قبلی: ۳۸۴۷۵.

۵. منبع قبلی: ۳۸۴۸۴.

۱۲ انتشارات انصار امام مهدی (علیه السلام) - خوش آمدی ای خلیفه خدا، مهدی

۸- افزایش آلات موسیقی و نوشیدن مسکرات:

- «۳۸۷۳۴: در امت من قذف، مسخ، و خسف رخ می دهد، آن هنگام که آلات موسیقی ظاهر شود، خوانندگان زن بسیار شوند، و شراب ها نوشیده شود.»^۱

- «۳۸۷۳۵: افرادی از امت من در آخرالزمان به میمون و خوک مسخ می شوند.» پرسیده شد: ای رسول خدا، آیا آنها به لا اله الا الله شهادت می دهند، نماز می خوانند و روزه می گیرند؟ فرمود: «بله.» پرسیده شد: پس مشکل آنها چیست ای رسول خدا؟ فرمود: «آنها آلات موسیقی و خوانندگان زن و دف ها را به کار می برند، و شراب می نوشند، شب را به نوشیدن شراب و لهو و لعب سپری می کنند، و صبح درحالی بیدار می شوند که به میمون و خوک مسخ شده اند.»^۲

۹- قناعت مردها به مردها (هم جنس گرایی):

- «۳۸۴۹۹: آن هنگام که زن ها به زنان، و مرد ها به مردان بسنده می کنند، پس آنها را به وزیدن بادی سرخ بشارت بده که از سمت مشرق می آید و برخی از آنها را مسخ و برخی دیگر را خسف می کند؛ و این به خاطر نافرمانی و تجاوزشان است.»^۳

- «۳۸۵۰۰: دنیا به پایان نمی رسد تا اینکه زنان به زنان و مردان به مردان کفایت کنند؛ و "سحاق" زناى میان زن ها است.»^۴

۱۰- پیامبر ﷺ برای ابن مسعود بیان می فرماید:

«۳۸۴۹۵: ای ابن مسعود، ساعت، نشانه ها و علامت هایی دارد؛ و از جمله علائم و

۱. منبع قبلی: ۳۸۷۳۴.

۲. منبع قبلی: ۳۸۷۳۵.

۳. منبع قبلی: ۳۸۴۹۹.

۴. منبع قبلی: ۳۸۵۰۰.

نشانه‌های ساعت این است که فرزند باعث خشم و ناراحتی شود، و باران گرم ببارد، و بدکاران به‌طور کامل گرفته شوند [هلاک شوند]. ای ابن‌مسعود، از علائم و نشانه‌های ساعت این است که دروغ‌گو تصدیق و راست‌گو تکذیب شود. ای ابن‌مسعود، از علائم و نشانه‌های ساعت این است که خائن امین، و امین خائن شمرده شود. ای ابن‌مسعود، از علائم و نشانه‌های قیامت این است که ارتباطات دوستانه برقرار و روابط خویشاوندی قطع شود. ای ابن‌مسعود، از علائم و نشانه‌های قیامت این است که در هر قبیله‌ای منافقانش به حکومت برسند، و در هر بازاری فاجران‌ش برتری یابند. ای ابن‌مسعود، از علائم و نشانه‌های ساعت این است که مؤمن در قبیله‌اش خوارتر از یک سکه شود. ای ابن‌مسعود، از علائم و نشانه‌های ساعت این است که محراب‌ها آراسته، و قلب‌ها ویران شود. ای ابن‌مسعود، از علائم و نشانه‌های ساعت این است که مردان به مردان و زنان به زنان بسنده کنند. ای ابن‌مسعود، از علائم و نشانه‌های قیامت این است که مسجدها محافظت و منبرها بلند شوند. ای ابن‌مسعود، از علائم و نشانه‌های ساعت این است که خرابی‌های دنیا آباد و آبادی‌هایش خراب شود. ای ابن‌مسعود، از علائم و نشانه‌های ساعت این است که موسیقی و نوشیدن شراب آشکارا شود. ای ابن‌مسعود، از علائم و نشانه‌های ساعت این است که نوشیدن مست‌کننده‌ها رواج یابد. ای ابن‌مسعود، از علائم و نشانه‌های ساعت این است که شرطه‌ها (نیروهای امنیتی) و آنان که از دیگران عیب‌جویی می‌کنند و تهمت می‌زنند و چاپلوسی می‌کنند فراوان شوند. ای ابن‌مسعود، از علائم و نشانه‌های ساعت این است که فرزندان حاصل از زنا فراوان شوند.»^۱

۲. اعتقاد به مهدی

ایمان داشتن به مهدی از جمله اعتقادات حقی است که مسلمانان - علی‌رغم اختلاف در جزئیات - بر آن اجماع دارند. مسلمانان بر اعتقاد به مهدی توافق نظر دارند و آن را از جمله اعتقادات خود می‌دانند. پس «باور مهدی» مورد توافق مسلمانان است، همان‌طور که اعتقاد جهانی به یک مصلح جهانی مورد توافق همگان قرار گرفته است.

ابن خلدون می‌گوید:

«بدان در میان همه اهل اسلام در طول تاریخ مشهور است ناگزیر در آخرالزمان مردی از اهل بیت ظهور می‌کند که دین را یاری می‌دهد، عدالت را آشکار می‌سازد، مسلمانان از او پیروی می‌کنند، و بر ممالک اسلامی مسلط می‌شود؛ و او مهدی نامیده می‌شود.»^۱

استاد احمد امین الازهری مصری نیز با نظر او موافقت کرده و گفته است:

«ابن حجر حدیث‌های روایت‌شده درباره مهدی را جمع‌آوری کرده و تقریباً پنجاه حدیث یافته است.»^۲

همچنین شوکانی کتابی به نام «التوضیح فی تواتر ما جاء فی المنتظر و الدجال و المسيح» (روشنگری درباره تواتر روایات مربوط به مهدی منتظر، دجال و مسیح) نوشته است.^۳

و متقی هندی در کتاب خود به نام «البرهان فی مهدی آخر الزمان» می‌گوید:

«و به این ترتیب شیخ علامه یحیی بن محمد حنبلی به کفر کسی که مهدی (علیه السلام) را انکار

۱. تاریخ ابن خلدون: ج ۱، ص ۳۱۱، فصل ۵۲.

۲. مهدی و مهدویت: ص ۴۸.

۳. مهدی و مهدویت: ص ۱۱۰.

کند فتوا داده و گفته است: اما کسی که مهدی موعود را تکذیب کند پیامبر (سلام و صلوات بر او) از کفر او خبر داده است.^۱

ابن تیمیه می گوید:

«حدیث‌هایی که به عنوان دلیل برای خروج مهدی ذکر می‌شوند احادیث صحیحی هستند که توسط ابوداود، ترمذی، احمد و دیگران از ابن مسعود و دیگران روایت شده‌اند؛ همچنین در (المنتقى من منهاج الاعتدال، نوشته ذهبی، ص ۵۳۴) آمده است: می‌گوییم: پس این پنج تن از بزرگان ائمه حدیث، حدیث‌های مربوط به خروج مهدی را صحیح دانسته‌اند، و به همراه آنها چندین برابرشان از متقدمین و متأخرین هستند که من اسامی آنها را تا آنجا که برایم امکان‌پذیر است ذکر می‌کنم...»^۲

از «بن باز» نیز درباره عقیده ایمان به مهدی سؤال شد. متن سؤال و پاسخ او به قرار زیر است:

«پرسش: مردی را می‌شناسیم که مسیح دجال و مهدی و نزول عیسی و یاجوج و ماجوج را انکار می‌کند و به هیچ‌کدام از آنها اعتقاد ندارد و ادعا می‌کند احادیث مربوط به اینها صحیح نیست؛ البته با توجه به اینکه او هیچ چیزی از علم حدیث و مسائل دیگر از این دست نمی‌داند. ما درباره نتیجه بررسی این امور توسط علما با وی بحث کرده‌ایم، ولی او ادعا می‌کند همه احادیث وارد شده درباره این موضوعات جعلی هستند و به دروغ به رسول خدا نسبت داده و وارد اسلام شده‌اند. این فرد نماز می‌خواند و روزه می‌گیرد و فرایض را انجام می‌دهد. حکمش چیست؟ خداوند به شما توفیق دهد.

پاسخ: چنین مردی - پناه بر خدا - کافر است؛ زیرا او مسئله ثابت‌شده‌ای از رسول خدا (سلام و صلوات بر او) را انکار کرده است. اگر اهل علم برایش روشن کردند و توضیح دادند

۱. البرهان، متقی هندی: ص ۱۰۴.

۲. منهاج السنة: ج ۴، ص ۲۱۱.

و با این حال به تکذیب و انکارش اصرار دارد کافر است؛ زیرا کسی که رسول خدا را تکذیب کند کافر است، و کسی که خدا را تکذیب کند کافر است. اخبار صحیحی به صورت متواتر از رسول خدا (سلام و صلوات بر او) روایت شده است که مسیح بن مریم از آسمان و در آخرالزمان فرود می آید، و یاجوج و ماجوج خروج می کنند، و دجال در آخرالزمان خروج می کند، و مهدی می آید. تمامی این چهار مسئله ثابت شده اند: مهدی در آخرالزمان که زمین را همان طور که از ظلم و ستم پر شده از عدل و داد پر می کند، و فرود آمدن مسیح بن مریم، و خروج دجالی در آخرالزمان، و خروج یاجوج و ماجوج، تمام اینها با احادیث صحیح متواتر از رسول خدا ثابت شده اند و انکار آنها کفر و گمراهی است. عافیت و سلامت را از خداوند خواستاریم.

پس در هیچ کدام از دجال و مسیح بن مریم و یاجوج و ماجوج شکی نیست، و تردیدی نیست که اخبار از رسول خدا درباره شان به شکل متواتر روایت شده است؛ اما مهدی، اخبار درباره او نیز متواتر است و بیش از یک نفر حکایت کرده اند [که احادیث مهدی] به تواتر از پیامبر نقل شده اند، ولی برخی از مردم درباره این موضوع اشکال وارد کرده و توقف کرده اند؛ و فقط درباره کسی که مهدی را انکار کند در کفرش توقف می شود. اما کسی که دجال یا مسیح بن مریم یا یاجوج و ماجوج را انکار کند، شکی در کفر او نیست و توقفی وجود ندارد، بلکه توقف فقط درباره کسی است که مهدی را انکار کند. شاید به این دلیل درباره این فرد به کفر و مرتد شدن از اسلام توقف کرده اند که پیش از او کسانی بوده اند که در این موضوع اشکال گرفته اند، اما اظهر و اقرب^۱ کفر این فرد است. اما درباره یاجوج و ماجوج و دجال و مسیح بن مریم، او کافر می شود. عافیت را از خداوند خواستاریم.^۲

۱. ظاهرتر و نزدیک تر در این مسئله. (مترجم)

۲. سایت رسمی بن باز: فتاوی نور علی الدرب، ج اول، انکار دجال و نزول عیسی (علیه السلام).

۳. مهدی در قرآن

الف: ﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ﴾^۱ (او کسی است که فرستاده خود را با هدایت و دین حق فرستاد تا آن را بر همه ادیان غالب سازد، هرچند مشرکان را خوش نیاید).

قرطبی گفته است:

«و سدی گفته است: این هنگام ظهور مهدی است؛ و هیچ کس باقی نمی ماند مگر اینکه در اسلام وارد شود.»^۲

ب: ﴿وَإِنَّهُ لَعِلْمٌ لِلسَّاعَةِ فَلَا تَمْتَرَنَّ بِهَا وَاتَّبِعُونِ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ﴾^۳ (و به درستی که آن دانشی برای [نزدیک بودن] ساعت است؛ پس در آن شک نکنید و از من پیروی کنید؛ این است صراط مستقیم).

گنجی شافعی در کتاب «البيان في أخبار صاحب الزمان» گفته است:

«مقاتل بن سلیمان و مفسرانی که از او پیروی کرده اند در تفسیر آیه ﴿وَإِنَّهُ لَعِلْمٌ لِلسَّاعَةِ﴾ گفته اند این [آیه] درباره مهدی عليه السلام در آخر الزمان است، و پس از خروج او "ساعت" و نشانه هایش خواهد بود.»^۴

۱. توبه: ۳۳.

۲. تفسیر قرطبی: ج ۸، ص ۱۲۱.

۳. زخرف: ۶۱.

۴. البيان في أخبار صاحب الزمان: ص ۵۲۸.

۴. مهدی در احادیث پیامبر ﷺ

۱. ابن ابی شیبیه و طبرانی از طریق عاصم بن ابی نجود، از زر بن حبیش، از عبدالله بن مسعود، از پیامبر ﷺ روایت کرده‌اند که فرمود: «دنیای به پایان نمی‌رسد تا آنکه خداوند مردی را مبعوث می‌کند که نام او همانند نام من و نام پدرش همانند نام پدرم است.»^۱
۲. ابوعمر الدانی و خطیب بغدادی، هر دو از طریق عاصم بن ابی نجود، از زر بن حبیش، از عبدالله بن مسعود، از پیامبر ﷺ نقل کرده‌اند، فرمود: «ساعت برپا نمی‌شود تا آنکه مردی از اهل بیت من بر مردم حکومت کند که نام او همانند نام من و نام پدرش همانند نام پدرم است.»^۲

و بسیاری از محدثین و علما روایات مربوط به مهدی را نقل کرده‌اند.^۳

-
۱. المصنف، ابن ابی شیبیه: ج ۸، ص ۶۷۸؛ المعجم الأوسط، طبرانی: ج ۲، ص ۵۵.
 ۲. سنن ابوعمر الدانی: ص ۹۴ و ۹۵؛ تاریخ بغداد، خطیب بغدادی: ج ۱ ص ۳۸۷.
 ۳. روایات مربوط به مهدی توسط بسیاری از محدثین و علما نقل شده است، و اسامی برخی از آنها تقدیم می‌شود:
ابن سعد صاحب الطبقات الكبرى (ت ۲۳۰ق)، ابن ابی شیبیه (ت ۲۳۵ق)، احمد بن حنبل (ت ۲۴۱ق)، بخاری (ت ۲۵۶ق)، مسلم (ت ۲۶۱ق)، ابوبکر اسکافی (ت ۶۲۰ق)، ابن ماجه (ت ۲۷۳ق)، ابوداوود (ت ۲۷۵ق)، ابن قتیبه دینوری (ت ۲۷۶ق)، ترمذی (ت ۲۷۹ق)، البزار (ت ۲۹۲ق)، ابویعلی موصلی (ت ۳۰۷ق)، طبری (ت ۳۱۰ق)، عقیلی (ت ۳۲۲ق)، نعیم بن حماد (ت ۳۲۸ق)، بریهاری (ت ۳۲۹ق) در کتابش «شرح السنة»، ابن حبان بستی (ت ۳۵۴ق)، مقدسی (ت ۳۵۵ق)، طبرانی (ت ۳۶۰ق)، ابوالحسن آبری (ت ۳۶۳ق)، دارقطنی (ت ۳۸۵ق)، خطابی (ت ۳۸۸ق)، حاکم نیشابوری (ت ۴۰۵ق)، ابونعیم اصبهانی (ت ۴۳۰ق)، ابوعمر الدانی (ت ۴۴۴ق)، بیهقی (ت ۴۵۸ق)، خطیب بغدادی (ت ۴۶۳ق)، ابن عبدالبر مالکی (ت ۴۶۳ق)، دیلمی (ت ۵۰۹ق)، بغوی (ت ۵۱۰ یا ۵۱۶ق)، قاضی عیاض (ت ۵۴۴ق)، خوارزمی حنفی (ت ۵۶۸ق)، ابن عساکر (ت ۵۷۱ق)، ابن جوزی (ت ۵۹۷ق)، ابن اثیر جزری (ت ۶۰۶ق)، ابن عربی (ت ۶۳۸ق)، محمد بن طلحه شافعی (ت ۶۵۲ق)، علامه سیوطی جزوی (ت ۶۵۴ق)، ابن ابی الحدید معتزلی حنفی (ت ۶۵۵ق)، و بسیاری دیگر.

۵. نَسَب خلیفه خدا مهدی

او از قریش، از بنی هاشم، از خاندان پیامبر، و از فرزندان فاطمه است:

الف. «مهدی» کنانی، قرشی و هاشمی است:

از قتاده نقل شده است، گفت: «به سعید بن مسیب گفتم: آیا مهدی حق است؟ پاسخ داد: بله، حق است. پرسیدم: او از کجاست؟ گفت: از کنانه. پرسیدم: سپس از کجا؟ گفت: از قریش؛ یکی را بر دیگری مقدم داشت. پرسیدم: سپس از کجا؟ گفت: از بنی هاشم. پرسیدم: سپس از کجا؟ گفت: از فرزندان فاطمه.»^۱

ب. مهدی از اهل بیت پیامبر ﷺ است:

احمد بن حنبل با سند خود از علی علیه السلام نقل کرده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «مهدی از ما اهل بیت است. خداوند (امر) او را در یک شب اصلاح می کند.»^۲

ج- مهدی از عترت پیامبر ﷺ است:

احمد بن حنبل در مسند خود با سندش از ابوسعید نقل کرده که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است: «زمین از ظلم و جور پر می شود. سپس مردی از عترت من خروج می کند که هفت یا نه سال حکومت می کند، و زمین را پر از عدل و داد می کند.»^۳

ابوسعید خدری نقل کرده است، گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «پس از من فتنه هایی خواهد بود؛ از جمله فتنه های احلاس که در آن فرار و جنگ خواهد بود. سپس بعد از آن فتنه هایی

۱. عقد الدرر فی اخبار المنتظر: ص ۲۲.

۲. مسند احمد: ج ۱، ص ۸۴؛ سنن ابن ماجه: ج ۲، ص ۱۳۶۷.

۳. مسند احمد: ج ۳، ص ۲۸.

۲۰ انتشارات انصار امام مهدی (علیه السلام) - خوش آمدی ای خلیفه خدا، مهدی

سخت‌تر از قبل رخ می‌دهد. هربار گفته می‌شود پایان یافته است اما ادامه می‌یابد، تا اینکه هیچ خانه‌ای از عرب باقی نمی‌ماند مگر آنکه [فتنه] واردش شده باشد، و هیچ مسلمانی نماند جز اینکه به او برسد، تا اینکه مردی از عترت من خروج می‌کند.»^۱

د. مهدی از فرزندان فاطمه (علیها السلام) است:

از امّ سلمه (رضی الله عنها) نقل شده است، گفت: «شنیدم رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: «مهدی از خاندان من، از فرزندان فاطمه است.» این حدیث توسط امام داوود سلیمان بن اشعث سجستانی در سنن خود، و در سنن امام ابو عبد الرحمن نسائی، امام حافظ ابوبکر بیهقی، و امام ابو عمرو دانی (رحمهم الله) نیز نقل شده است.»^۲

۶. ویژگی‌های مهدی

الف. ویژگی‌های جسمانی

- رنگ پوست عربی است و بدن اسرائیلی دارد:

ابن حجر در «الصواعق» گفته است: «روپانی و طبرانی و دیگران روایت کرده‌اند: مهدی از فرزندان من است؛ چهره‌اش همچون ستاره‌ای درخشان، رنگش رنگ عربی، و جسمش بدنی اسرائیلی است. او زمین را با عدالت پر می‌کند همان‌طور که با ظلم و ستم پر شده است. اهل آسمان و اهل زمین و پرنده‌گان در هوا از خلافت او رضایت خواهند داشت. او بیست سال

۱. عقد الدرر فی اخبار المنتظر: ص ۵۰.

۲. مراجعه کنید به: عقد الدرر فی اخبار الامام المنتظر: ص ۱۵.

حکومت خواهد کرد.^۱

- پیشانی روشن، و بینی برآمده و بلند:

از ابوسعید خدری نقل شده است، گفت: رسول خدا ﷺ فرمود: «مهدی از من است؛ او پیشانی بلند، و بینی کشیده و برآمده دارد. او زمین را از قسط و عدالت پر می‌کند همان‌طور که از ظلم و ستم پر شده است. او هفت سال حکومت می‌کند.»^۲

ب. ویژگی‌های معنوی

۱. مهدی مبعوث شده از طرف خداست

- عبدالله به ما گفت: پدرم به من گفت: عبدالرزاق به ما گفت: جعفر از معلی بن زیاد به ما گفت: علاء بن بشیر از ابوصدیق ناجی روایت کرده است، گفت: از ابوسعید خدری شنیدم، گفت: رسول خدا ﷺ فرمود: «شما را به مهدی بشارت می‌دهم که در میان امت من در زمان اختلاف‌های میان مردم و زلزله‌ها مبعوث می‌شود، و زمین را از عدل و داد پر می‌کند همان‌طور که از جور و ستم پر شده است. ساکنان آسمان و زمین از او راضی خواهند بود...»^۳

- عباس بن محمد مجاشعی اصبهانی به ما گفت: محمد بن ابویعقوب کرمانی به ما گفت: عبیدالله بن موسی از زائده، از عاصم، از زر، از عبدالله نقل کرده است، گفت: رسول خدا ﷺ فرمود: «اگر از دنیا جز یک روز باقی نمانده باشد، خدا آن روز را طولانی خواهد کرد تا در آن مردی از من یا از اهل بیت مرا برانگیزد که نامش همانند نام من و نام پدرش همانند نام پدرم

۱. الصواعق المحرقة، ابن حجر الهیتمی المکی: ص ۱۶۴.

۲. سنن ابوداود: ج ۲، ص ۳۱۰.

۳. مسند احمد: ج ۳، ص ۳۷؛ مجمع الزوائد، هیثمی: ج ۷، ص ۱۳؛ عقد الدرر فی اخبار المهدی المنتظر، یوسف بن یحیی مقدسی: ص ۶۲.

است.»^۱

۲. مهدی خلیفه خداست

در سنن ابن ماجه و مستدرک حاکم با سندهایشان از ثوبان نقل شده است، گفت: رسول خدا ﷺ فرمود: «نزد گنج شما سه نفر با یکدیگر جنگ خواهند کرد، که همه فرزند خلیفه‌ای هستند؛ سپس به هیچ کدام از آنها نخواهد رسید. پس از آن پرچم‌های سیاه از طرف مشرق ظاهر خواهند شد. آنها شما را به گونه‌ای خواهند کشت که قومی مانند آن کشته نشده‌اند.» سپس چیزی ذکر کرد که به خاطر نسپر دم. پس فرمود: «هنگامی که او را دیدید با او بیعت کنید، حتی اگر بر روی برف بخیزد، زیرا او خلیفه خدا مهدی است.» در زوائد آمده است: این اسناد صحیح است، رجالش ثقه هستند، و حاکم در المستدرک آن را روایت کرده و گفته است: «بر اساس شرط شیخین صحیح است.»^۲

۳. خلیفه خدا مهدی، صاحب پرچم‌های سیاه مشرقی است

محمد بن یحیی و احمد بن یوسف برای ما نقل کرده‌اند، گفتند: عبدالرزاق به ما گفت: از سفیان ثوری، از خالد حذاء، از ابوقلابه، از ابواسماء رحبی، از ثوبان نقل کرده است، گفت: رسول خدا ﷺ فرمود: «نزد گنج شما سه نفر با هم می‌جنگند که همه‌شان فرزند خلیفه هستند. سپس به هیچ‌یک از آنها نخواهد رسید. پس از آن پرچم‌های سیاه از طرف مشرق ظاهر می‌شوند. آنها شما را به گونه‌ای می‌کشند که هیچ قومی به آن شکل کشته نشده است.» سپس چیزی ذکر کرد که من به خاطر نسپر دم. سپس فرمود: «پس هنگامی که او را دیدید با او بیعت کنید، حتی اگر بر روی برف سینه‌خیز بخیزد، زیرا او خلیفه خدا مهدی است.»^۳

۱. المعجم الکبیر، طبرانی: ج ۱۰، ص ۱۳۵.

۲. سنن ابن ماجه: ج ۲، ص ۱۳۶۷؛ المستدرک، حاکم: ج ۴، ص ۴۶۴.

۳. سنن ابن ماجه: ج ۲، ص ۱۳۶۷؛ المستدرک، حاکم: ج ۴، ص ۴۶۴.

- محمد بن فضیل و عبدالله بن ادریس و جریر از یزید بن ابوزیاد، از ابراهیم، از علقمه، از عبدالله رضی الله عنه نقل کرده‌اند، گفت: روزی ما نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله بودیم. چند جوان از بنی‌هاشم آمدند، و رنگ رخسار ایشان تغییر کرد. ما گفتیم: ای رسول خدا، چیزی در چهره‌تان می‌بینیم که دوست نداریم. او فرمود: «ما اهل بیتی هستیم که خداوند آخرت را برای ما بر دنیا ترجیح داده است، و به‌راستی که این اهل بیت من پس از من کشته و تبعید و آواره خواهند شد تا اینکه قومی از اینجا، از سوی مشرق، با پرچم‌های سیاه ظاهر می‌شوند. آنها - دو یا سه بار - حق را می‌طلبند اما به آنها داده نمی‌شود، سپس می‌جنگند و پیروز می‌شوند تا آنجا که آنچه را خواسته‌اند به آنها داده می‌شود اما آن را نمی‌پذیرند تا اینکه آن را به مردی از اهل بیت من بپردازند؛ و او زمین را پر از عدل می‌کند، همان‌طور که پر از ظلم شده است. پس هرکدام از شما آن زمان را درک کرد به‌سوی آنها برود، حتی سینه‌خیز بر روی برف؛ زیرا او مهدی است.»^۱

- در «عقد الدرر فی أخبار المنتظر: ص ۱۱۷» آمده است: «و پرچم‌های سیاه از سوی مشرق می‌آیند. گویی قلب‌هایشان از پاره‌های آهن است. خداوند متعال به‌واسطه آنها هرچه را در اسلام جدید است بازمی‌گرداند.»

می‌دانیم مشرق معمولاً به قسمتی از منطقه خاورمیانه اطلاق می‌شود که از دریای مدیترانه در غرب تا فلات ایران در شرق کشیده شده است، و کشورهایی که در آن واقع شده‌اند عبارت‌اند از عراق، ایران، سوریه، فلسطین، اردن، و لبنان؛ به همین دلیل است که روایات، مشرق را به خراسان تفسیر می‌کنند؛ زیرا منطقه خراسان در این بخش قرار دارد.

احمد بن حنبل و دیگران از ثوبان نقل کرده‌اند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «وقتی دیدید پرچم‌های سیاه از طرف خراسان آمده‌اند به‌سوی آنها بروید، زیرا خلیفه خدا مهدی در میان

۱. سنن ابن‌ماجه: ج ۲، ص ۱۳۶۶؛ کنز العمال: ج ۱۴، ص ۲۶۷؛ الدر المنثور: ج ۶، ص ۵۸؛ سیر اعلام النبلاء: ج ۶، ص ۱۶۱؛ الفتن نعیم بن حماد المروزی: ص ۱۸۸.

آنهاست.»^۱

این به معنی محدود کردن مشرق به فقط «خراسان» نیست، بلکه پرچم‌های سیاه از خراسان می‌آیند و مبدأ خروج خلیفه خدا مهدی عراق است؛ که عراق نیز همان‌طور که دانستیم در مشرق قرار دارد.

پس کسانی که چشم‌انتظار ظهور مهدی هستند، باید منتظر خروجش از سمت مشرق و از سرزمین پیامبران یعنی عراق باشند، نه جای دیگر.

۴. مهدی امام است

الف. بخاری با سند خود از نافع - غلام ابوقتاده انصاری - نقل کرده که ابوهریره رضی الله عنه گفته است: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «چگونه خواهید بود وقتی پسر مریم در میان شما نازل شود، و امام شما از میان خودتان باشد؟»^۲

ب. مسلم با سند خود نقل کرده است: از ابن شهاب، گفت: نافع - غلام ابوقتاده انصاری - به من خبر داد که ابوهریره گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «چگونه خواهید بود وقتی پسر مریم در میان شما نازل شود، و امامتان از بین خودتان باشد؟»^۳

ج. حارث بن اسامه در مسند خود با سندش از جابر بن عبدالله روایت کرده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «عیسی بن مریم نازل می‌شود. پس امیرشان مهدی می‌گوید: بیا و با ما نماز بگذار. عیسی می‌گوید: نه، برخی از آنها بر برخی دیگر امیر هستند، و این گرامیداشت خدا

۱. مسند احمد: ج ۵، ص ۲۷۷؛ مستدرک حاکم نیشابوری، و پس از نقل این حدیث گفته است: «این حدیث طبق شرط شیخین صحیح است و آن دو آن را نیاورده‌اند.» در ج ۴، ص ۵۰۲؛ جامع الصغیر، سیوطی: ج ۱، ص ۱۰۰؛ کنز العمال: ج ۱۴، ص ۲۶۱؛ کشف الخفاء، عجلونی: ج ۱، ص ۹۰.

۲. صحیح بخاری: ج ۴، ص ۱۳۴.

۳. صحیح مسلم: ج ۱، ص ۹۴.

برای این امت است.» ابن قیم گفته است: «اسنادش نیکوست.»^۱

۷. تکلیف مسلمانان در برابر مهدی

از آنجا که مهدی را خداوند مبعوث می‌فرماید، بنابراین او به دستور خداوند متعال می‌آید؛ پس او خلیفه خدا و امامی است که اطاعتش از سوی خداوند سبحان واجب شده است؛ و حتی عیسی علیه السلام - که از انبیای اولوالعزم است - در نماز به اقتدا او خواهد کرد و این نکته‌ای است که روایات پیش گفته روشن کرده‌اند.

بنابراین در روایات تأکید زیادی بر یاری او وجود دارد:

۱. ابن ماجه روایت کرده است: «از ثوبان نقل شده است، گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «نزد گنج شما سه نفر با هم می‌جنگند که همه فرزند خلیفه هستند. سپس به هیچ کدام از آنها نمی‌رسد. پس از آن پرچم‌های سیاه از سوی مشرق ظاهر می‌شوند و شما را به گونه‌ای می‌کشند که هیچ قومی چنین کشته نشده است.» سپس چیزی ذکر کرد که به یاد ندارم. پس فرمود: «وقتی آنها را دیدید با آنها بیعت کنید، حتی اگر بر روی برف سینه‌خیز بروید؛ زیرا او خلیفه خدا مهدی است.» در زوائد آمده است: این اسناد صحیح است. رجالش ثقه هستند، و حاکم آن را در المستدرک روایت کرده و گفته است: به شرط شیخین صحیح است.»^۲

۲. از حسن نقل شده است، گفت: پیامبر صلی الله علیه و آله از بلاهایی یاد کرد که اهل بیتش با آن روبه‌رو می‌شوند، تا اینکه خداوند پرچمی سیاه از مشرق برمی‌انگیزد؛ هرکس آن را

۱. المنار المنیف، ابن قیم: ص ۱۴۷.

۲. سنن ابن ماجه: ج ۲، ص ۱۳۶۷.

یاری کند خدا او را یاری می‌کند، و هرکس آن را رها کند خدا او را رها می‌کند؛ تا اینکه به مردی می‌رسند که نامش همچون نام من است، و امورش را به او واگذار می‌کنند، و خداوند او را یاری و پیروز می‌کند.^۱

۳. از علی بن ابی طالب در حدیثی طولانی نقل شده است: «فرشتگان در آسمان دچار هراس می‌شوند. سپس خداوند عزوجل به جبرئیل (علیه السلام) فرمان می‌دهد، و او بر فراز دیوار مسجد دمشق فریاد می‌زند: ای امت محمد آگاه باشید، نجات‌بخش به‌سوی شما آمده است، ای امت محمد نجات‌بخش به‌سوی شما آمده است، به‌راستی فرج شما رسیده است، و او مهدی (علیه السلام) است که از مکه خارج شده، پس او را اجابت کنید.» سپس (علیه السلام) فرمود: «آیا او را برایتان توصیف کنم؟ به‌راستی روزگار مرزهایش را میان ما تقسیم کرده است، و پیمان‌هایش را برای ما گرفته است، و گواهی‌هایش به‌سوی ما باز می‌گردد. بدانید اهل حرم خداوند عزوجل فضیلت ما را جست‌وجو خواهند کرد؛ پس هرکه بازگشت ما را بشناسد، او ما را مشاهده کرده [و با ما همراه] است. بدانید او شبیه‌ترین مخلوقات خداوند عزوجل به رسول خدا ﷺ است؛ اسمش اسم او و اسم پدرش اسم پدر اوست؛ او از فرزندان دختر محمد ﷺ، و از نسل حسین است. بدانید هرکس غیر از او را برگزیند خداوند لعنتش کند.»^۲

۴. نعیم بن حماد با سند خود از ثوبان نقل کرده است، گفت: «وقتی پرچم‌های سیاه را دیدید که از سوی خراسان خارج شده‌اند به‌سوی آنها بروید، حتی اگر سینه‌خیز بر روی برف؛ زیرا خلیفه خدا مهدی در میان آنهاست.»^۳

۵. از ثوبان نقل شده است که رسول خدا ﷺ فرمود: «نزد گنج شما سه نفر که هرکدام

۱. الفتن نعیم بن حماد: ص ۱۸۹؛ عقد الدرر فی اخبار المنتظر: ص ۱۳۰.

۲. عقد الدرر فی اخبار المنتظر: ص ۹۴.

۳. الفتن، نعیم بن حماد مروزی: ص ۱۸۸.

فرزند خلیفه هستند با یکدیگر جنگ خواهند کرد، اما سلطنت به هیچ‌کدام از آنها نخواهد رسید. سپس پرچم‌های سیاه از سوی خراسان می‌آیند. به‌سوی آنها بروید، حتی اگر لازم باشد روی زانو بخزید، زیرا خلیفه خدا مهدی در میان آنهاست.»^۱

۶. از ثوبان نقل شده است که رسول خدا ﷺ فرمود: «نزد گنج شما سه نفر که هرکدام فرزند خلیفه هستند با یکدیگر می‌جنگند، اما [خلافت] به هیچ‌یک از آنها نخواهد رسید. سپس پرچم‌های سیاه از سمت مشرق ظاهر می‌شوند و شما را به‌گونه‌ای خواهند کشت که هیچ قومی چنین کشته نشده است.» سپس چیزی ذکر کرد که من به خاطر نسپردهام. «پس هنگامی که آنها را دیدید با آنها بیعت کنید، حتی اگر بر روی برف بخزید، زیرا او خلیفه خدا مهدی است.»^۲

۷. از عبد الله بن عمرو رضی الله عنه نقل شده است، گفت: رسول خدا ﷺ فرمود: «مهدی با عمامه‌ای بر سر خروج می‌کند. در آن عمامه فرشته‌ای هست که ندا می‌دهد: این مهدی خلیفه خداست، پس از او پیروی کنید.»^۳

پس از اینکه ما از تأکید قوی بر بیعت با او و یاری رساندن به او و عدم تخلف از او آگاه شدیم - چراکه او خلیفه‌ای فرستاده شده از سوی خداوند تبارک و تعالی است - پس باید با جدیت تمام با سازوکاری آشنا شویم که ما را به شناخت او برساند، تا از آن دسته افرادی نباشیم که در روایات پیش گفته لعنت شده‌اند. حال چه معیار و میزانی وجود دارد که به‌وسیله آن خلیفه خدا مهدی را بشناسیم؟

۱. السنن الواردة في الفتن، الدانی: حدیث شماره ۵۵۱.

۲. سنن ابن‌ماجه: ج ۲، ص ۱۳۶۷.

۳. عقد الدرر في اخبار المنتظر: ص ۱۳۵.

۸. قانون شناخت خلیفه خدا

تردیدی نیست که حتی ساده‌ترین اموری که ما امروز می‌بینیم لازم است معیار و ضابطه‌ای داشته باشند تا با آن شناخته شوند. طلا معیاری دارد که با آن وزن می‌شود، میوه نیز معیاری دارد، و همین‌طور پدیده‌های طبیعی نیز معیار و قانونی دارند که با آن کشف می‌شوند. پس طبیعی است خداوند تبارک و تعالی نیز قانونی داشته باشد تا با آن خلفای خود را از دیگر انسان‌ها متمایز گرداند.

خلیفه خدا مهدی (علیه السلام) می‌فرماید:

«حال آیا خداوند سبحان و متعال قانونی وضع کرده است که دعوت‌کننده حق در هر زمان به وسیله آن شناخته شود؟ همان کسی که حجت خدا بر بندگان و خلیفه و جانشین او در زمینش است، و اطاعت از او اطاعت از خدا، و سرپیچی از او سرپیچی از خداوند محسوب می‌شود، و ایمان آوردن و تسلیم شدن به او همان ایمان آوردن و تسلیم شدن به خدا، و کُفر به او و روی گردانی از او همان کفر به خدا و روی گردانی از خداست. یا اینکه خداوند افسارش را بر پشت شترش انداخته است؟! (چنین نسبتی از او سبحان و متعال بسی به دور است) و حال آنکه او حکیم مطلق است و برای هر چیزی مقداری قرار داده و چه نیکو تقدیر فرموده است: ﴿وَكُلُّ شَيْءٍ عِنْدَهُ بِمِقْدَارٍ﴾^۱ (و هر چیز را نزد او مقداری معین است). و او ﴿عَالِمُ الْغَيْبِ لَا يَعْزُبُ عَنْهُ مِثْقَالُ ذَرَّةٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ وَلَا أَصْغَرُ مِنْ ذَلِكَ وَلَا أَكْبَرُ إِلَّا فِي كِتَابِ مُبِينٍ﴾^۲ (آن دانای غیب که به قدر ذره‌ای یا کوچک‌تر از آن یا بزرگ‌تر از آن در

۱. رعد: ۸.

۲. سبأ: ۳.

آسمان‌ها و زمین از او پنهان نیست، و همه در کتابی آشکار آمده است).

نتیجه اینکه حکمت الهی اقتضا می‌کند قانونی برای شناخت خلیفه و جانشین خدا در زمین و در هر زمان وضع شود، و الزاماً این قانون باید از همان روز اولی که خداوند سبحان خلیفه‌اش را در زمینش قرار داده است وضع شده باشد. پس این قانون نمی‌تواند در یکی از رسالت‌های آسمانی بعد از روز اول ایجاد شده باشد؛ چراکه مکلفین از همان روز اول وجود داشته‌اند، و دست‌کم همه بر این موضوع اتفاق نظر دارند که ابلیس از همان روز اول به‌عنوان یک شخص مکلف وجود داشته است، و مکلف برای شناخت صاحب حق الهی به این قانون نیازمند است! در غیر این صورت او [مکلف] از پیروی از صاحب حق الهی معذور خواهد بود؛ چراکه قادر نبوده است تمایز قائل شود و قانونی الهی برای شناخت این خلیفه‌ای که از سوی خداوند سبحان و متعال تعیین شده در دست نداشته است!»^۱

پس این قانون حتماً باید به‌طور قطعی به صاحبش در زمان خودش دلالت کند، و نیز این قانون باید به‌گونه‌ای باشد که ادعای آن از سوی باطل‌پیشگان ممکن نباشد؛ چراکه این قانون، حق را از باطل جدا می‌کند. پس لازم است کسی که این قانون را دارد واقعاً صاحب حق باشد، و نه هیچ‌کس دیگر؛ و بر اساس منطق عقلایی، قانون هرگز تغییر نمی‌کند و هیچ‌گاه تخلف نمی‌پذیرد. پس هرکسی این قانون را ارائه دهد صاحب آن است و هیچ‌کس غیر از صاحبش نخواهد توانست آن را ارائه دهد؛ به همین دلیل است که ما می‌بینیم خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَلَوْ تَقَوَّلَ عَلَيْنَا بَعْضُ الْأَقَاوِيلِ * لَأَخَذْنَا مِنْهُ بِالْيَمِينِ * ثُمَّ لَقَطَعْنَا مِنْهُ الْوَتِينَ﴾ (و اگر برخی سخنان را [به‌دروغ] به ما نسبت می‌داد * قطعاً او را با قدرت می‌گرفتیم * سپس رگ قلبش را پاره می‌کردیم).

«لو: اگر» حرف امتناع برای امتناع است؛ به این معنا که وقوع دومی به دلیل واقع نشدن

۱. روشنگری‌هایی از دعوت‌های فرستادگان، نوشته خلیفه خدا سید احمد الحسن (رحمه‌الله).

اولی، ناممکن است؛ یا به عبارت دیگر عمل «با قدرت گرفتن و پاره کردن رگ قلب» به دلیل «نسبت ندادن دروغ به خدا» اتفاق نمی افتد.

به رغم اینکه ما می دانیم عده بسیاری مانند مسیلمه و سجاح و اسود عنسی به خدا دروغ بسته و ادعای نبوت کرده اند با این حال خداوند سبحان آنها را با قدرت نگرفته و رگ قلبشان را قطع نکرده است! با وجود اینکه او سبحان وعده دهنده راست گوست!

آیا درست است به او سبحان نسبت «خُلف وعده» بدهیم؟ خداوند از چنین نسبت هایی بسی برتر و منزّه است! یا منظور از «تَقُول: دروغ بستن» معنای دیگری متفاوت از ادعای نبوت است که مقامی الهی است.

به عبارت دیگر، گاهی مدعی مقامی مانند نبوت، خلافت الهی یا امامت را ادعا می کند، و گاهی دیگر قانونی را ادعا می کند که با آن نبوت، خلافت یا امامت الهی اثبات می شود.

ادعای قانون همان تَقُولی است که بازداشته شده است. هیچ کسی هرگز قانون الهی را که به وسیله اش خلفای او اثبات می شوند ادعا نخواهد کرد مگر اینکه ادعاکننده ای صادق باشد؛ و به همین دلیل در طول تاریخ مشاهده می کنیم هیچ کسی نتوانسته است نص محفوظ شده برای محمد (صلی الله علیه و آله) را که در کتاب های قبلی بوده است ادعا کند، به رغم اینکه همان طور که پیش تر گفته شد افرادی ادعای نبوت کرده بودند؛ اما آنها فقط یک مقام را ادعا کردند، بدون اینکه دلیل و قانونی همانند آنچه حجت های الهی گذشته مانند موسی و عیسی (علیه السلام) برای اثبات خود ارائه داده بودند در دست داشته باشند تا به وسیله آن صحت ادعای خود را اثبات کنند.

پس قانونی که به وسیله اش خلفای الهی شناخته می شوند برای باطل پیشگان قابل ادعا نیست؛ زیرا خداوند مانع از ادعای آن توسط آنها می شود؛ و این با عقل و شرع موافق است، و در تاریخ نیز به اثبات رسیده است. از این رو لازم است ما قانونی را بشناسیم که خلیفه خدا را در هر زمانی مشخص می کند، و در نتیجه بدانیم خلیفه خدا مهدی به وسیله این قانون شناخته

می‌شود.

قانون شناخت حجت در قرآن

قرآن کریم روشن ساخته است خداوند متعال کسی است که از میان بندگان او افرادی را انتخاب کرد و برگزید و آنها را به عنوان جانشینان بر روی زمین که اطاعت از آنها واجب است مقرر داشت.

خداوند عزوجل می‌فرماید: ﴿اللَّهُ يَصْطَفِي مِنَ الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا وَمِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ﴾^۱ (خدا از میان ملائکه و از میان مردم فرستادگانی برمی‌گزیند. به راستی خدا شنوای بیناست). پس او سبحان، از آنچه در سینه‌ها پنهان است دانا و آگاه است و هرگز مردم را رها نمی‌کند تا برای خودشان خلیفه‌ای انتخاب کنند که در زمین نماینده او باشد؛ زیرا ممکن است مردم انتخاب نادرستی داشته باشند؛ بلکه او سبحان، انتخاب خلیفه‌اش را به خودش اختصاص داده است.

﴿وَأَنَا اخْتَرْتُكَ فَاسْتَمِعْ لِمَا يُوحَى﴾^۲ (و من تو را برگزیده‌ام، پس به آنچه وحی می‌شود گوش بده).

﴿قَالَ يَا مُوسَى إِنِّي اصْطَفَيْتُكَ عَلَى النَّاسِ بِرِسَالَاتِي وَبِكَلامِي فَخُذْ مَا آتَيْتُكَ وَكُنْ مِنَ الشَّاكِرِينَ﴾^۳ (فرمود: ای موسی! من تو را به [ابلاغ] پیام‌هایم و سخن گفتن با تو، بر همه مردم برگزیدم؛ پس آنچه را به تو دادم دریافت کن و از سپاسگزاران باش).

﴿وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ وَفَقَّيْنَا مِنْ بَعْدِهِ بِالرُّسُلِ وَآتَيْنَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ الْبَيِّنَاتِ وَأَيَّدْنَاهُ

۱. حج: ۷۵.

۲. طه: ۱۳.

۳. اعراف: ۱۴۴.

۳۲ انتشارات انصار امام مهدی (علیه السلام) - خوش آمدی ای خلیفه خدا، مهدی

يُزَوِّجُ الْقُدُسُ أَفْكَلَمَا جَاءَكُمْ رَسُولٌ بِمَا لَا تَهْوَى أَنْفُسُكُمْ اسْتَكْبَرْتُمْ فَقَرِيبًا كَذَبْتُمْ وَقَرِيبًا تَقْتُلُونَ^۱ (و بی تردید ما به موسی کتاب دادیم و فرستادگان را پی در پی بعد از او فرستادیم؛ و به عیسی پسر مریم دلایل روشن دادیم و او را با روح القدس تأیید کردیم. آیا این طور نیست که هرگاه فرستاده چیزی برای شما آورد که مطابق میلان نبود تکبر ورزیدید و گروهی را تکذیب کردید و گروهی را کشتید!؟).

پس او کسی است که انتخاب می کند و جانشین خود را در زمین تعیین می کند.

﴿يَا دَاوُودُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ وَلَا تَتَّبِعِ الْهَوَى فَيُضِلَّكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ إِنَّ الَّذِينَ يَضِلُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ بِمَا نَسُوا يَوْمَ الْحِسَابِ﴾^۲ (ای داوود، ما تو را خلیفه ای در زمین قرار دادیم؛ پس میان مردم به حق داور کن و از هوا و هوس پیروی مکن که تو را از راه خدا گمراه سازد. همانا کسانی که از راه خدا گمراه می شوند به دلیل اینکه روز حساب را از یاد بردند عذاب شدیدی برایشان است).

﴿وَجَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ وَإِقَامَ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءَ الزَّكَاةِ وَكَانُوا لَنَا عَابِدِينَ﴾^۳ (و آنان را پیشوایانی قرار دادیم که به فرمان ما هدایت می کردند، و به آنان انجام دادن کارهای نیک و برپاداشتن نماز و دادن زکات را وحی کردیم، و [آنان] فقط پرستشگر ما بودند).

و این انتخاب و مقرر داشتن با اولین خلیفه پیامبر خدا آدم (علیه السلام) آغاز شده است:

خداوند سبحان می فرماید: ﴿وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا

۱. بقره: ۸۷.

۲. ص: ۲۶.

۳. انبیاء: ۷۳.

لَا تَعْلَمُونَ * وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا ثُمَّ عَرَضَهُمْ عَلَى الْمَلَائِكَةِ فَقَالَ أَنْبِئُونِي بِأَسْمَاءِ هَؤُلَاءِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ * قَالُوا سُبْحَانَكَ لَا عِلْمَ لَنَا إِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا إِنَّكَ أَنْتَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ * قَالَ يَا آدَمُ أَنْبِئْهُمْ بِأَسْمَائِهِمْ فَلَمَّا أَنْبَأَهُمْ بِأَسْمَائِهِمْ قَالَ أَلَمْ أَقُلْ لَكُمْ إِنِّي أَعْلَمُ غَيْبَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَأَعْلَمُ مَا تُبْدُونَ وَمَا كُنْتُمْ تَكْتُمُونَ * وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَى وَاسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ ﴿۱﴾ (و آن هنگام که پروردگارت به فرشتگان گفت من در زمین

۱. بقره: ۳۰ تا ۳۴.

آیات قرآن کریم امور قطعی را برای اثبات خلیفه خدا در هر زمان بیان می‌کنند: اول، تعیین: خداوند عزوجل می‌فرماید: «من ... خلیفه‌ای قرار می‌دهم.» پس تعیین خلیفه فقط به دست اوست نه هیچ شخص دیگر؛ و وقتی گماردن خلیفه به دست او باشد پس طبیعتاً گماردن خلیفه‌اش را با متن صریح بیان می‌کند. پس نص (تصریح) او، خلیفه‌اش را در زمینش اثبات می‌کند؛ و به‌طور طبیعی از آنجا که گماردن منحصر به فرمان اوست و نص آن را آشکار می‌سازد، پس «نص» خلیفه خدا را مشخص می‌کند، و از آنجا که «نص» روشن‌کننده قطعی خلیفه خداست پس خداوند سبحان حتماً «نص» را از ادعا توسط باطل‌پیشگان محافظت می‌کند، زیرا در غیر این صورت «نص» می‌تواند توسط افراد باطل‌پیشه ادعا شود، و نتیجه آن گمراه کردن مردم به اسم نص الهی خواهد بود؛ و این قطعاً برای او - که منزه است - قبیح است. پس حتماً باید نص مشخص‌کننده خلیفه‌اش را از ادعای باطل‌پیشگان محافظت کند؛ و این حقیقتی است که تاریخ و شرع به آن شهادت می‌دهند، و واقعیت تاریخی ادعای نص تشخیصی را از سوی باطل‌پیشگان نشان نمی‌دهد.

به‌علاوه «جعل: گماشتن خلیفه» مستمر است، زیرا «جاعل» اسم فاعل است و بر استمرار و تجدد دلالت دارد. بنابراین گماشتن مستمر است و هرگز قطع نمی‌شود؛ و نیازی که باعث ارسال رسولان شد دقیقاً همان عامل برای باقی ماندن خلیفه الهی است.

دوم، علم: «و به آدم آموخت»؛ پس خداوند کسی است که به خلیفه‌اش تعلیم می‌دهد. پس علم الهی از جمله ارکانی است که خلافت خلیفه بر آن بنا نهاده شده است، در غیر این صورت هدف از استخلاف منتفی می‌شود؛ زیرا استخلاف به این معناست که خداوند خلیفه‌ای را جایگزین خود در زمینش قرار داده است تا برای بندگانش تبیین کند، و به همین دلیل قرآن بر علم خلفای خدا تأکید می‌کند، همان‌طور که در سخنان خلیفه خدا مهدی در این کتابچه - مشاهده خواهید کرد.

سوم، سجده: که به معنای اطاعت است. پس خلیفه خدا باید اطاعت شود؛ چراکه او جانشین خداست و اطاعت از او واجب است. خداوند حق اطاعت را برای خلفای خود مقرر داشته است، در غیر این صورت استخلاف فایده‌ای نخواهد

۳۴ انتشارات انصار امام مهدی (علیه السلام) - خوش آمدی ای خلیفه خدا، مهدی

جانشینی قرار می‌دهم، گفتند آیا کسی را در آن قرار می‌دهی که در آن فساد کند و خون‌ها بریزد، درحالی که ما به ستایش تو تسبیح می‌گوییم و تو را تقدیس می‌کنیم؟ گفت: من چیزی می‌دانم که شما نمی‌دانید. * و همه اسم‌ها را به آدم آموخت؛ سپس آنها را به فرشتگان عرضه داشت و فرمود: از اسم‌های اینها به من خبر بدهید اگر راست می‌گویید. * گفتند: منزه‌ی تو، ما را دانشی نیست جز آنچه خود به ما آموخته‌ای. به راستی تویی دانای حکیم. * گفت: ای آدم، به آنها از اسم‌هایشان خبر بده. وقتی آدم به آنها از اسم‌هایشان خبر داد، گفت: آیا به شما نگفتم من غیب آسمان‌ها و زمین را می‌دانم، و آنچه را شما آشکار می‌کنید و آنچه را پنهان می‌داشتید؟ * و هنگامی که به فرشتگان گفتیم به آدم سجده کنید، آنها سجده کردند جز ابلیس که سربیزی کرد و تکبر ورزید و از کافران شد).

در این آیات خداوند متعال قانونی را توضیح می‌دهد که به‌طور قطعی خلیفه‌اش را مشخص می‌کند.

خلیفه خدا مهدی (علیه السلام) می‌فرماید:

«آنچه همه درباره پیشینه روز اولی که خداوند خلیفه و جانشین خود را در زمینش قرار داد اتفاق نظر دارند این است که:

۱. خداوند در حضور فرشتگان و ابلیس به آدم تصریح فرمود و اینکه او خلیفه و جانشینش در زمینش است؛

۲. پس از اینکه خداوند آدم (علیه السلام) را آفرید همه نام‌ها را به او آموخت؛

داشت؛ زیرا نمی‌شود خداوند سبحان شخصی را به‌عنوان خلیفه قرار دهد و طاعت از او را واجب نکند؛ همان‌طور که جزئیات آن را در این متن در سخنان خلیفه خدا مهدی خواهید دانست. ما این بندهای سه‌گانه را در همه خلفای خداوند متعال مثل پیامبران و رسولان و دیگران- ملاحظه می‌کنیم. بنابراین فراهم بودن بندهای این قانون در هرکسی که ادعای خلافت می‌کند لازم است. همچنین این سه بند اثبات‌کننده حقانیت کسی هستند که آنها را آورده است؛ زیرا این ویژگی‌ها جز در خلیفه خداوند سبحان وجود ندارند.

۳. سپس خداوند به همه کسانی که در آن هنگام او را می‌پرستیدند یعنی فرشتگان و ابلیس- دستور داد به آدم سجده کنند...

این امور سه‌گانه همان قانون خداوند سبحان و متعال برای شناخت حجت بر مردم و جانشین خداوند در زمینش است؛ و این امور سه‌گانه قانونی است که خداوند سبحان و متعال برای شناخت خلیفه و جانشین خود از همان روز اول سنت نهاده است، و این سنت الهی تا پایان دنیا و بر پا شدن ساعت ادامه خواهد داشت.

﴿سُنَّةَ اللَّهِ فِي الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلُ وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا﴾^۱ (این سنت خداوندی است که در میان پیشینیان نیز بوده است؛ و در سنت خدا تغییری نخواهی یافت).

﴿سُنَّةَ اللَّهِ الَّتِي قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلُ وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا﴾^۲ (این سنت خداوند است که از پیش چنین بوده است؛ و در سنت خدا دگرگونی نخواهی یافت).

در قالب یک مثال ساده: اگر انسانی کارخانه یا مزرعه یا یک کشتی یا هرچیز دیگری داشته باشد که در آن کارگرانی باشند که برایش کار می‌کنند، باید شخصی را معین کند تا ریاست آنان را بر عهده بگیرد، و باید او را به اسم معرفی کند و گرنه هرج و مرج و بی‌نظمی به وجود خواهد آمد؛ به علاوه این شخص باید داناترین و برترین آنها باشد و ناگزیر باید آنان را به فرمانبرداری فرمان دهد تا آنچه انتظار دارد تحقق یابد؛ در غیر این صورت اگر این انسان در هرکدام از این امور سه‌گانه کوتاهی کند حکمت به سفاقت و حماقت متمایل خواهد شد. حال چگونه مردم مجاز می‌دانند خداوند [حتی] یکی از این امور سه‌گانه را ترک گوید؟! درحالی که او حکیم مطلق

۱. احزاب: ۶۲.

۲. فتح: ۲۳.

است!

حال اگر در خصوص این قانون الهی با کمی جزئیات بیشتر دقت کنیم می بینیم این نص و تصریح الهی بر آدم (علیه السلام)، به دلیل وجود خلیفه و جانشین پیشین، به وصیت تبدیل می شود. ایشان به دستور خداوند سبحان و متعال به کسی که بعد از خودش است تصریح می کند... و این کار از جمله تکالیف و واجبات او به عنوان خلیفه خداوند در زمینش است. حق تعالی می فرماید: ﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا﴾^۱ (خداوند به شما فرمان می دهد امانت ها را به صاحبانشان بازگردانید).

اما مقصود از تعلیم دادن اسماء (نام ها) توسط خداوند به آدم (علیه السلام)، آشنا ساختن او به حقیقت اسم های الهی، آراستن او به آنها، و تجلی یافتن آنها در [وجود] اوست، تا او خلیفه و جانشین خداوند در زمینش شود. او (علیه السلام) نام های فرشتگان را به آنان خبر داد؛ یعنی آنان را از حقیقت نام های الهی که از آن آفریده شده اند باخبر ساخت. خداوند سبحان همه اسم های الهی را به اندازه جایگاه و مقامش به او شناساند؛ اما هر کدام از ملائکه فقط یک نام یا نام هایی را که از آن آفریده شده اند می شناسند، و به این ترتیب حجت بودن آدم (علیه السلام) با علم و حکمت برای آنان به اثبات رسید.

بند سوم در این قانون الهی، فرمان خداوند سبحان و متعال به سجده کردن ملائکه و ابلیس برای آدم بود. این فرمان به منزله اقدامی عملی برای خلیفه بود تا نقش خود را به عنوان جانشین و قائم مقام به انجام برساند، و همین طور اقدامی عملی برای کارگزاران خداوند سبحان (ملائکه) بود تا نقش خود را به عنوان کارگزاران و یادگیرندگان در پیشگاه این خلیفه (حضرت آدم (علیه السلام)) اجرا نمایند...

حال بازمی گردیم به داستان یوسف (علیه السلام) و می بینیم:

۱. وصیت:

در سخن یعقوب علیه السلام به یوسف علیه السلام: ﴿وَكَذَلِكَ يَخْتَبِكَ رَبُّكَ وَ يُعَلِّمُكَ مِنْ تَأْوِيلِ الْأَحَادِيثِ وَ يُنَمُّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكَ وَ عَلَى آلِ يَعْقُوبَ كَمَا أَتَمَّهَا عَلَى أَبَوَيْكَ مِنْ قَبْلُ إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْحَاقَ إِنَّ رَبَّكَ عَلِيمٌ حَكِيمٌ﴾^۱ (و این گونه پروردگارت تو را برمی‌گزیند و تأویل خواب‌ها را به تو می‌آموزد و همچنان که نعمت خود را پیش از این بر پدران تو ابراهیم و اسحاق تمام کرده بود، بر تو و خاندان یعقوب هم تمام می‌کند، که پروردگار تو دانای حکیم است).

یعقوب علیه السلام به روشنی تمام بیان می‌کند یوسف علیه السلام وصی او، و امتداد دعوت ابراهیم علیه السلام است.

و در سخن یوسف علیه السلام: ﴿وَأَتَّبَعْتُ مِلَّةَ آبَائِي إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْحَاقَ وَ يَعْقُوبَ مَا كَانَ لَنَا أَنْ نُشْرِكَ بِاللَّهِ مِنْ شَيْءٍ ذَلِكَ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ عَلَيْنَا وَ عَلَى النَّاسِ وَ لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ﴾^۲ (و من آیین پدرانم ابراهیم و اسحاق و یعقوب را پیروی کردم؛ و ما را نسزد هیچ‌چیز را شریک خدا قرار دهیم. این فضیلتی است که خدا بر ما و بر مردم دیگر ارزانی داشته است ولی بیشتر مردم ناسپاس‌اند)، یوسف علیه السلام تأکید دارد نسب او به انبیا بازمی‌گردد، و او خط سیر طبیعی استمرار دعوت آنهاست.

۲. علم:

در گفته یوسف علیه السلام: ﴿قَالَ لَا يَأْتِيَكُمَا طَعَامٌ تُزَرَّقَانِهِ إِلَّا نَبَأْتُكُمَا بِتَأْوِيلِهِ قَبْلَ أَنْ يَأْتِيَكُمَا ذَلِكَمَا مِمَّا عَلَّمَنِي رَبِّي إِنِّي تَرَكْتُ مِلَّةَ قَوْمٍ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ

۱. یوسف: ۶.

۲. یوسف: ۳۸.

كَافِرُونَ ﴿١﴾ (یوسف گفت: هیچ طعامی که رزق شماست برایتان نمی آورند مگر اینکه پیش از رسیدنش به شما، از تأویل آن به شما خبر می دهم. این از چیزهایی است که پروردگارم به من آموخته است؛ زیرا من آیین مردمی را که به خدا ایمان نمی آورند و خود، منکر آخرت اند رها کرده ام).

همچنین سخن او: ﴿... تَزْرَعُونَ سَبْعَ سِنِينَ دَابًّا فَمَا حَصَدْتُمْ فَذَرُوهُ فِي سُنْبُلِهِ إِلَّا قَلِيلًا مِمَّا تَأْكُلُونَ * ثُمَّ يَأْتِي مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ سَبْعٌ شِدَادٌ يَأْكُلْنَ مَا قَدَّمْتُمْ لَهُنَّ إِلَّا قَلِيلًا مِمَّا تَحْصِنُونَ * ثُمَّ يَأْتِي مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ عَامٌ فِيهِ يُغَاثُ النَّاسُ وَفِيهِ يَعَصِرُونَ﴾^۲ (... هفت سال پی در پی بکارید و هرچه درو می کنید جز اندکی که می خورید با خوشه انبار کنید * آن گاه، پس از آن، هفت سال سخت می آید که هرچه برای آنها ذخیره کرده اید به مصرف می رسد، جز اندکی که [برای بذر] نگه می دارید * آن گاه، پس از آن، سالی فرامی رسد که در آن باران فراوان نصیب مردم می شود، و مردم در آن سال [از انواع فشرده ها] می فشارند).

و در این سخن او: ﴿قَالَ اجْعَلْنِي عَلَى خَزَائِنِ الْأَرْضِ إِنِّي حَفِيظٌ عَلَيْمُ﴾^۳ (گفت: مرا بر خزانه های این سرزمین بگمار که من نگهدارنده آنها باشم).

۳. بیعت از آن خداست:

در گفته یوسف (علیه السلام): ﴿يَا صَاحِبِي السَّجْنِ أَرْبَابٌ مُتَفَرِّقُونَ خَيْرٌ أَمِ اللَّهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ * مَا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِهِ إِلَّا أَسْمَاءٌ سَمَّيْتُمُوهَا أَنْتُمْ وَآبَاؤُكُمْ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ بِهَا مِنْ سُلْطَانٍ إِنَّ الْحُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ أَمَرَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ﴾^۴

۱. یوسف: ۳۷.

۲. یوسف: ۴۷ تا ۴۹.

۳. یوسف: ۵۵.

۴. یوسف: ۳۹ و ۴۰.

(ای دو هم‌زندانی، آیا معبودان گوناگون بهترند یا خدای یگانه قهار؟ * شما به‌جای او جز نام‌هایی را که شما و پدران‌تان [بر معبودان] نهاده‌اید و خدا هیچ دلیلی بر [حقانیت] آنها نازل نکرده است نمی‌پرستید. حکم جز برای خدا نیست. فرمان داده است که جز او را نپرستید. این است آن دین استوار، ولی بیشتر مردم نمی‌دانند).^۱

بنابراین بندهای قانون شناخت حجت عبارت‌اند از: «نص (تصریح)، علم، و پرچم بیعت از آن خداست»؛ و اگر بخواهیم این بندهای سه‌گانه را در کتاب‌های اهل سنت توضیح دهیم آنها را همان‌طور که در ادامه خواهد آمد به‌روشنی ملاحظه خواهیم کرد.

۱. روشنگری‌هایی از دعوت‌های فرستادگان، جلد سوم.

۹. خلیفه خدا مهدی با قانون شناخت حجت شناخته می شود

گفتیم قانون شناخت حجت، به شکل قطعی مصداق خلفای خدا را تعیین می کند. اکنون بیاید ببینیم بندهای سه گانه این قانون «نص و وصیت، علم و حکمت، و پرچم بیعت برای خدا و حاکمیت خداوند» که خلیفه خدا مهدی (علیه السلام) به آنها استناد کرده چگونه است.

۱. نص

متون متواتری روایت شده است که اسم مهدی را و اینکه او «احمد» یا «محمد» است بیان می کنند؛ و در اینجا برخی از آنها تقدیم حضور می شود:

الف. «در آخرالزمان مردی از فرزندان من خروج می کند که اسمش همانند اسم من و کنیه اش همانند کنیه من است. او زمین را پر از عدل می کند همان طور که پر از ظلم شده است؛ و او مهدی است.»^۱

ب. از پیامبر (ص) روایت شده است: «ساعت برپا نمی شود تا آنکه مردی از اهل بیت من حکومت کند که نامش مطابق با نام من است.»^۲

ج. از پیامبر (ص) روایت شده است: «دنیا به پایان نمی رسد یا فرمود نمی گذرد تا آنکه مردی از اهل بیت بر عرب حکمرانی کند که اسمش شبیه اسم من است.»^۳

۱. عقد الدرر فی اخبار المنتظر: ص ۳۲.

۲. مسند احمد: ج ۱، ص ۳۷۶.

۳. مسند احمد: ج ۱، ص ۳۷۴.

در این احادیث نکاتی به شرح زیر آمده است:

- نام او شبیه نام من است؛
- نام او با نام من مطابقت دارد؛
- نام او همانند نام من، و کنیه او همانند کنیه من است؛

آنچه در این کتابچه مختصر برای بنده اهمیت دارد موضوع «مواطنه» یعنی «مشابهت» است.

از عبدالله نقل شده است که پیامبر ﷺ فرمود: «دنيا به پایان نمی‌رسد تا اینکه مردی از اهل بیت من بر دنیا حکومت کند که نام او مطابق با نام من است.» پرسیدم ای اباعبدالرحمن، «مواطنه» چیست؟ گفت: «شبهت.»^۱

و این یعنی اسم خلیفه خدا مهدی - که در آخرالزمان متولد می‌شود - شبیه اسم پیامبر ﷺ است، نه دقیقاً خود اسم پیامبر. با توجه به اینکه اسم پیامبر ﷺ محمد است، پس نام مهدی «احمد» خواهد بود.

اسم پدر مهدی نیز همانند اسم پدر پیامبر ﷺ خواهد بود.

باید بدانیم لفظ «پدر» هم بر پدر مستقیم اطلاق می‌شود و هم بر اجداد دورتری که در سلسله نسب‌ها قرار می‌گیرند؛ بنابراین وقتی پیامبر ﷺ می‌فرماید «من فرزند دو قربانی - عبدالله و اسماعیل - هستم»^۲ پس ایشان ﷺ هم فرزند اسماعیل است و هم عبدالله. روایاتی را نیز می‌بینیم که نشان می‌دهند مهدی از نسل فاطمه است، حتی اگر از فرزندان مستقیم او نباشد، بلکه از نسل او باشد. بنابراین درست است که او از فرزندان فاطمه ﷺ به شمار برود.

به همین ترتیب ما آدم ﷺ را به‌عنوان پدر همه‌مان می‌شناسیم، و می‌بینیم قرآن کریم

۱. عقد الدرر في اخبار المنتظر، يوسف بن يحيى المقدسى: ص ۳۰.

۲. المستدرک، حاکم: ج ۲، ص ۵۵۹؛ نيل الاوطار، شوکانی: ج ۹، ص ۱۶۴.

می فرماید: ﴿يَا بَنِي آدَمَ قَدْ أَنْزَلْنَا عَلَيْكُمْ لِبَاسًا يُؤَارِي سَوَاتِنَكُمْ وَرَبِشًا وَلِبَاسُ التَّقْوَى ذَلِكَ خَيْرٌ ذَلِكَ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ لَعَلَّهُمْ يَذَكَّرُونَ﴾^۱ (ای فرزندان آدم، ما بر شما لباسی نازل کرده ایم که عورت هایتان را می پوشاند و [لباس هایی برای] زینت؛ و لباس تقوا که آن بهتر است. این از آیات خداست تا شاید یادآور شوید)، ﴿يَا بَنِي آدَمَ لَا يَفْتِنَنَّكُمُ الشَّيْطَانُ كَمَا أَخْرَجَ أَبَوَيْكُم مِّنَ الْجَنَّةِ يَنْزِعُ عَنْهُمَا لِبَاسَهُمَا لِيُرِيَهُمَا سَوَاتِنَهُمَا إِنَّهُ يَرََاكُمْ هُوَ وَقَبِيلُهُ مِنْ حَيْثُ لَا تَرَوْنَهُمْ إِنَّا جَعَلْنَا الشَّيَاطِينَ أَوْلِيَاءَ لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ﴾^۲ (ای فرزندان آدم، شیطان شما را فریب ندهد همان طور که پدر و مادران را از بهشت بیرون کرد و لباسشان را از آنها جدا کرد تا عورت هایشان را به آنها نشان دهد. او و قبيله اش شما را از جایی می بینند که شما آن را نمی بینید. ما شیاطین را دوستان کسانی قرار داده ایم که ایمان نمی آورند).

پس آدم پدر تمام بشریت است، اما پدر مستقیم همه نیست، ولی با این وجود عنوان پدر بر او اطلاق می شود، و نسل او نیز بنی آدم می شوند.

همچنین حق سبحانه می فرماید: ﴿مِلَّةَ أَبِيكُمْ إِبْرَاهِيمَ هُوَ سَمَّاكُمُ الْمُسْلِمِينَ﴾^۳ (پیروان آیین پدرتان ابراهیم. او شما را مسلمانان نام نهاد)، ﴿أَمْ كُنْتُمْ شُهَدَاءَ إِذْ حَضَرَ يَعْقُوبَ الْمَوْتُ إِذْ قَالَ لِبَنِيهِ مَا تَعْبُدُونَ مِنْ بَعْدِي قَالُوا نَعْبُدُ إِلَهَكَ وَإِلَهَ آبَائِكَ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ إِلَهُمَا وَاحِدًا وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ﴾^۴ (یا آن هنگام که مرگ یعقوب فرارسید و به فرزندان او گفت پس از من چه چیزی را می پرستید، گفتند خدای تو و خدای پدرانت ابراهیم و اسماعیل و اسحاق. خدایی یگانه را پرستش می کنیم و ما تسلیم او هستیم).

پس ابراهیم پدر مسلمانان است؛ چراکه اسلام دین حنیف ابراهیمی است، همان طور که

۱. اعراف: ۲۶.

۲. اعراف: ۲۷.

۳. حج: ۷۸.

۴. بقره: ۱۳۳.

۹. خلیفه خدا مهدی با قانون شناخت حجت شناخته می‌شود ۴۳

در آیه دوم، ابراهیم به‌عنوان پدر یعقوب علیه السلام نامیده شده است، به‌رغم اینکه پدر مستقیم او نبود.

بنابراین اسم مهدی شبیه اسم جدش پیامبر صلی الله علیه و آله خواهد بود، و نام پدرش نیز مشابه نام پدر پیامبر صلی الله علیه و آله خواهد بود؛ اما همان‌طور که متوجه شدیم این لزوماً به معنای پدر مستقیم نیست، بلکه ممکن است به پدری اشاره داشته باشد که در انتهای سلسله نسب‌ها قرار دارد؛ و به «پدرها» پدر گفته می‌شود حتی اگر در نسل‌های بالاتر باشد.

پس اسم مهدی شبیه اسم پیامبر صلی الله علیه و آله است؛ یعنی اسم او «احمد» است، و اسم پدرش «عبدالله» یا «اسماعیل» خواهد بود. پس اسم خلیفه خدا مهدی، «احمد عبدالله» یا «احمد اسماعیل» خواهد بود.

ما این حقیقت را به‌روشنی در کتاب خداوند سبحان ملاحظه می‌کنیم. عیسی بن مریم علیه السلام به پیامبری که پس از او می‌آید بشارت داده و اسم او را ذکر کرده است: ﴿وَإِذْ قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ مُّصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيَّ مِنَ التَّوْرَةِ وَمُبَشِّرًا بِرَسُولٍ يَأْتِيهِ مِنْ بَعْدِي اسْمُهُ أَحْمَدُ...﴾^۱ (و آن هنگام که عیسی بن مریم گفت ای بنی اسرائیل، من فرستاده خدا به‌سوی شما هستم، تصدیق‌کننده آنچه پیش از من از تورات آمده، و بشارت‌دهنده به فرستاده‌ای هستم که پس از من می‌آید و نامش احمد است ...).

و در عین حال محمد صلی الله علیه و آله به‌سوی آنها آمد. پس هیچ عذر و بهانه‌ای برای کسانی که به او ایمان نیاوردند با این استدلال که عیسی بن مریم به احمد بشارت داده است نه به محمد صلی الله علیه و آله وجود ندارد؛ به همین ترتیب امروز هم اگر احمد ظهور کند برای کسانی که از پیروی از او سرباز زنند با این بهانه که پیامبر صلی الله علیه و آله بشارت داده بود که اسم مهدی شبیه اسم خودش صلی الله علیه و آله است هیچ عذری وجود ندارد!

بلکه در واقع شواهد نشان می‌دهد اسم خلیفه خدا مهدی شبیه اسم پیامبر ﷺ است نه دقیقاً همان نام. به همین دلیل در احادیث بر واژه «بواطی» یعنی «شباهت» تأکید شده است.

۲. علم

این از جمله ویژگی‌هایی است که خلافت خلیفه خداوند سبحان بر آن استوار است، هرکدام با توجه به مقام و جایگاهش؛ و این نکته‌ای است که قرآن کریم بر آن تأکید کرده است.

﴿يَا أَبَتِ إِنِّي قَدْ جَاءَنِي مِنَ الْعِلْمِ مَا لَمْ يَأْتِكَ فَاتَّبِعْنِي أَهْدِكَ صِرَاطًا سَوِيًّا﴾^۱ (ای پدر، به‌راستی به من دانشی رسیده که به تو نرسیده است؛ پس مرا پیروی کن تا تو را به راه راست هدایت کنم).

﴿وَقَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ اللَّهَ قَدْ بَعَثَ لَكُمْ طَالُوتَ مَلِكًا قَالُوا أَنَّى يَكُونُ لَهُ الْمُلْكُ عَلَيْنَا وَنَحْنُ أَحَقُّ بِالْمُلْكِ مِنْهُ وَلَمْ يُؤْتَ سَعَةً مِنَ الْمَالِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ وَزَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ وَاللَّهُ يُؤْتِي مُلْكَهُ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ﴾^۲ (و پیامبرشان به آنها گفت: به‌راستی خداوند طالوت را به‌عنوان پادشاه برای شما برگزیده است. آنها گفتند: چگونه او بر ما سلطنت خواهد داشت درحالی‌که ما از او برای پادشاهی سزاوارتریم، و به او وسعت مالی داده نشده است؟ گفت: به‌راستی خداوند او را بر شما برگزیده، و به او دانش و قوت جسمانی افزوده است و خداوند ملک خود را به هرکس بخواهد می‌دهد؛ و خداوند علمش گسترده است).

﴿وَدَاوُدَ وَسُلَيْمَانَ إِذْ يَحْكُمَانِ فِي الْحَرْثِ إِذْ نَفَشَتْ فِيهِ غَنَمُ الْقَوْمِ وَكُنَّا لِحُكْمِهِمْ شَاهِدِينَ * فَفَهَّمْنَاهَا سُلَيْمَانَ وَكُلًّا آتَيْنَا حُكْمًا وَعِلْمًا وَسَخَرْنَا مَعَ دَاوُدَ الْجِبَالَ يُسَبِّحْنَ وَالطَّيْرَ وَكُنَّا

۱. مریم: ۴۳.

۲. بقره: ۲۴۷.

۹. خلیفه خدا مهدی با قانون شناخت حجت شناخته می‌شود ۴۵

فَاعِلِينَ ﴿۱﴾ (و [یاد کن] داوود و سلیمان را هنگامی که درباره زمین کشاورزی حکم می‌کردند، آن‌هنگام که گوسفندان مردم شبانه وارد آن شدند و خرابش کردند و ما بر حکم آنان شاهد بودیم. * پس آن را به سلیمان فهمانیدیم؛ و به هریک از آن دو حکمت و دانش دادیم، و کوه‌ها و پرندگان را در خدمت داوود قرار دادیم که [همراه او] تسبیح می‌گفتند، و ما انجام‌دهنده بودیم).

﴿يُؤْتِي الْحِكْمَةَ مَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ﴾^۲ (خداوند حکمت را به هرکس بخواهد می‌دهد، و هرکس حکمت به او داده شود، به‌راستی خیر بسیاری به او داده شده است؛ و تنها صاحبان خرد متذکر می‌شوند).

همه خلفای خداوند سینه‌هایی مالا مال از دانش و حکمتی داشته‌اند که از سوی او سبحان به آنها افاضه شده است؛ بنابراین دانش و حکمت همراه هر خلیفه الهی است. به همین دلیل است که روایات بیان می‌کنند خلیفه خدا مهدی، بین اهل انجیل با انجیل خودشان و اهل تورات با تورات خودشان حکم خواهد کرد؛ چراکه او ادامه‌دهنده راه صاحبان تورات و انجیل است.

ابن حماد با سند خود نقل کرده است: «از کعب نقل شده است، گفت: آن مهدی که به جنگ روم می‌فرستد فقه ده‌گانه را ارائه می‌دهد. تابوت سکینه را از غاری در انطاکیه خارج می‌کند که در آن توراتی قرار دارد که خداوند متعال برای موسی فرستاد، و انجیلی که خداوند عزوجل برای عیسی فرستاد. او بین اهل تورات با توراتشان، و بین اهل انجیل با انجیلشان حکم می‌کند.»^۳

همچنین نقل کرده است: «از کعب نقل شده است، گفت: مهدی به این دلیل "مهدی"

۱. انبیاء: ۷۹.

۲. بقره: ۲۶۹.

۳. فتن المروزی، حدیث شماره ۱۰۲۲.

نامیده شده است که به سفری از سفرهای تورات هدایت می‌کند. آن را از کوه‌های شام بیرون می‌آورد و یهود را به سوی آن فرامی‌خواند، و جماعت بسیاری براساس آن کتاب‌ها اسلام می‌آورند؛ و سپس گفت حدود سی هزار نفر.»^۱

۳. حاکمیت خدا

و این یعنی قانون و اجرایش از سوی خداوند سبحان است؛ پس قانون اساسی و اجراکننده‌اش معصوم از خطا هستند تا پیام آسمانی بدون هیچ عیب و نقصی به مردم برسد؛ بنابراین خلیفه خدا مهدی از سوی خداوند سبحان فرستاده می‌شود تا احکام خدا را بدون هیچ ظلم یا ستمی پیاده کند؛ و فراتر از آن خداوند او را می‌فرستد تا حق را برپا دارد و بدعت‌ها را نابود کند و مردم را بر سر کلمه‌ای مشترک جمع کند.

﴿قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ﴾^۲ (بگو ای اهل کتاب، به سوی کلمه‌ای بیابید که میان ما و شما مشترک است؛ اینکه جز خدا را نپرستیم و هیچ چیز را شریک او قرار ندهیم، و برخی از ما برخی دیگر را به جای خدا ارباب بگیریم. پس اگر روی گردان شدند بگویید شاهد باشید که ما مسلمانیم).

بنابراین همان‌طور که در احادیث پیش‌گفته آمده است، عدالت در میان مردم گسترش خواهد یافت: «اهل آسمان و اهل زمین و پرندگان در آسمان از خلافت او راضی خواهند بود.»^۳

ظلم و ستمی که اکنون به مردم می‌رسد به دلیل فقدان این دو امر (قانون الهی، و

۱. فتن المروزی، حدیث شماره ۱۰۳۵.

۲. آل عمران: ۶۴.

۳. الصواعق المحرقة، ابن حجر الهیتمی مکی: ص ۱۶۴.

اجراکننده الهی) است. «خلیفه خدا مهدی» راه و روش الهی را در میان مردم پیاده، و آنها را براساس سیره و هدایت پیامبر ﷺ هدایت خواهد کرد.

پس مهدی به حکم خداوند سبحان حکومت خواهد کرد؛ چراکه او توسط خداوند تعیین شده است. پس او به سوی خدا دعوت می کند و پرچم بیعت برای خدا را برمی افرازد.

مروزی با سند خود از نوف بکالی نقل کرده است، گفت: «روی پرچم مهدی نوشته شده است بیعت برای خداست.»^۱

۱۰. خلیفه خدا مهدی در بین ماست

پس از آنکه در مطالب گفته شده در خصوص جنبه های نظری و مفهومی صحبت کردیم، و با توجه به آنچه پیش تر گفته شد سخن نهایی را برای شناسایی مدعی حقیقی از باطل با استفاده از قانون الهی دانستیم، همان قانونی که خداوند حفاظت از آن را از دست های باطل پیشگان تضمین کرده است، اکنون لازم است این قانون را درباره مصداق واقعی اش که دیر زمانی است در میان مردم فریاد می زند درحالی که فرمایش او سبحان را به عنوان شعار خود قرار داده است مشاهده کنیم: ﴿ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ﴾^۲ (با حکمت و اندرز نیکو به سوی راه پروردگارت دعوت کن، و به راهی که نیکوتر است با آنها مجادله کن. به راستی پروردگار تو بهتر می داند چه کسی از راهش گمراه شده است، و او از حال هدایت یافتگان آگاه تر است).

۱. فتن المروزی: حدیث شماره ۱۰۲۶.

۲. نحل: ۱۲۵.

خلیفه خدا مهدی کیست؟

خلیفه خدا مهدی احمد الحسن (علیه السلام) می‌فرماید:

«همچنین در رابطه با مسلمانان اهل سنت، رسول خدا (صلی الله علیه و آله) آنها را به یاری مهدی تشویق نموده، و او را «خلیفه خدا مهدی» نامیده، همان‌طور که در روایات صحیح کتاب‌های اهل سنت آمده است. من نزد آنها آمده‌ام درحالی که نامم شبیه نام رسول خدا (صلی الله علیه و آله) (احمد) است و نام پدرم شبیه نام پدر رسول خدا (اسماعیل) است، همان‌طور که در روایات به آن اشاره شده و رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرموده است: «من فرزند دو قربانی هستم، عبدالله و اسماعیل.» برای شما نص تشخیصی آوردم که با این ویژگی توصیف شده که برای هرکسی که به آن چنگ بزند بازدارنده از گمراهی است. من با علم آمدم، و در برافراشتن پرچم «البيعة لله» یگانه هستم.

پس ای امت محمد (صلی الله علیه و آله)، از خدا بترسید و به حق اعتراف کنید و از خلیفه خدا مهدی پیروی کنید؛ همان شخصی که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) شما را به یاری او خوانده است حتی کِش‌ان‌کِشان بر روی برف و یخ...»^۱

خلیفه خدا مهدی احمد الحسن (علیه السلام) بندهای سه‌گانه قانون شناخت حجت را آورده است:

نص:

که پیش‌تر گفته شد او «احمد» است؛ پس نامش «مشابه» نام پیامبر (صلی الله علیه و آله) است. همچنین نام پدر او «اسماعیل» است که همان اسم پدر پیامبر (صلی الله علیه و آله) است؛ زیرا او (صلی الله علیه و آله) فرزند دو قربانی است: عبدالله و اسماعیل بن ابراهیم (علیه السلام).

علم:

او مسائل عظیمی را بیان کرده که هیچ کس پیش از او آنها را بیان نکرده است، و آثار و تألیفات متعددی در علوم گوناگون دارد، از جمله در تبیین متشابهات، تفسیر قرآن، داستان‌ها و موضع‌گیری‌های الهام‌بخش از خلفای خدا، اعتقادات صحیح، معارف الهی، بیان آنچه در کتاب‌های الهی (تورات و انجیل و قرآن) آمده است، پاسخ به ملحدان با بهره‌گیری از روش‌های علوم معاصر که خود آنان براساس آن استدلال می‌کنند، و موضوعات دیگری که به دلیل رعایت اختصار در اینجا نمی‌توانم همه آنها را ذکر کنم.

حاکمیت خدا:

خلیفه خدا مهدی احمد الحسن علیه السلام می‌فرماید:

«دعوت من همانند دعوت نوح علیه السلام، ابراهیم علیه السلام، موسی علیه السلام، عیسی علیه السلام و همانند دعوت محمد صلی الله علیه و آله و سلم است؛ اینکه توحید در جای‌جای این زمین انتشار یابد. هدف من همان هدف انبیا و امامان است؛ و من تورات و انجیل و قرآن و اختلافاتی را که در آن داشته‌اید برایتان واضح و آشکار می‌کنم، و نیز انحراف علمای یهود و مسیحی و مسلمان، و خروجشان از دین الهی و مخالفت آنها را با وصیت‌های پیامبران علیهم السلام آشکار می‌سازم!

خواست و اراده من همان خواست و اراده خداوند سبحان و متعال است؛ اینکه ساکنان زمین جز آنچه خداوند اراده می‌فرماید نخواهند، زمین پر از عدل و داد شود همان‌گونه که از ظلم و ستم پر شده است، گرسنه‌ها سیر شوند و هیچ فقیری بی‌سرپناه نباشد، یتیم‌ها بعد از غم‌های طولانی شاد شوند و بیوه‌زنان نیازهای مادی خود را با عزت و کرامت به دست آورند و... و... و... اینکه عدالت و رحمت و صداقت که مهم‌ترین خصیصه‌ها در شریعت الهی است پیاده شود.»^۱

۵۰ انتشارات انصار امام مهدی (علیه السلام) - خوش آمدی ای خلیفه خدا، مهدی

و سپاس خدایی را که اول است و آخر.